

یادداشت

O P I N I O N



فاطمه قاسم‌زاده

رئیس هیئت‌مدیره شبکه یاری کودکان کار

مسئولیت سازمان‌های دولتی در برابر کار کودکان

ایجاد بستر و امکانات لازم برای حذف کار کودک مسئولیت دولت است که با مشارکت مردمی می‌توان آن را به سرانجام رساند. تقریباً در تمامی بندهای پیمان نامه حقوق کودک نیز از عبارت «دولت باید» استفاده شده که نشان دهنده مسئولیت دولت در تحقق حقوق کودک به‌طور عام و مقابله با کار کودک به‌طور خاص است.

اما اقدامات دولتی در راستای کاهش کار کودک در ایران، مقطعی و اغلب بی‌نتیجه بوده است. به‌طور مثال، طرح‌هایی مانند طرح کودک و خانواده، طرح مشوق تحصیلی و تنظیم آیین‌نامه حمایت اجتماعی از کودکان کار و خیابان‌انجام گرفته که اقداماتی مثبت ارزیابی می‌شوند، اما به هدف نرسیده‌اند. طرح مشوق تحصیلی بدون ارزیابی از نتیجه آن متوقف شد، آیین‌نامه حمایت اجتماعی نیز پس از گذشت ۱۰ سال هنوز اجرایی نشده و منتظر مصوبه‌ای از طرف هیئت‌دولت است. طرح ساماندهی کودکان کار نیز ۳۲ بار در کشور انجام شده که نتیجه همه آن‌ها منفی بوده، اما بازهم برای اجرای آن، اصرار وجود دارد. اقدامات دولتی در زمینه کودکان کار دارای چند ویژگی اصلی است؛ این اقدامات بیشتر در حوزه جمع‌آوری کودکان و محرویت آن‌ها کودکان خیابان بوده است و سایر اشکال کار کودک را نادیده گرفته است. در حالی که کودکان کار فقط کودکان حاضر در خیابان‌ها و چهارراه‌ها نیستند. همه کودکانی که در کارخانه‌ها، اماکن تولیدی و... می‌بینیم یا کودکانی که کولبری می‌کنند نیز کودک کار هستند. یکی دیگر از مشکلات بزرگ ما

در این حوزه، کمبود نیروی متخصص و مشارکت‌دادن اندک سازمان‌های مردم‌نهاد است. نیروهای تخصصی که تلاش می‌کنند هنگام جمع‌آوری این کودکان به آن‌ها و خانواده‌هایشان آسیب کمتری برسد. در واقع، در بیشتر اقدامات دولتی شاهد جمع‌کردن مسئله هستیم و نه حل کردن آن. نادیده‌انگاشتن کودکان کار در آموزش و پرورش نیز مسئله‌ای جدی است. از این کودکان برای ثبت‌نام در مدرسه شهری به دریافت می‌شود که هزینه آن، عموماً از طریق نهادهای مردم‌نهاد تأمین می‌شود و حتی برای این کودکان، آموزش رایگان هم وجود ندارد. کودکان کاری که در سازمان‌های مختلف حمایت از کودکان درس می‌خوانند نیز برای آزمون سطح و دریافت گواهی قبولی باید هزینه پرداخت کنند. آموزش و پرورش این کودکان را در آمار خود حساب نمی‌کند و برای آن‌ها کتاب چاپ نمی‌کند در نتیجه سازمان‌های مردم‌نهاد در تهیه کتاب برای این کودکان مشکل دارند و حتی با پرداخت پول نیز نمی‌توانند کتاب تهیه کنند و اکثر کتاب‌های قدیمی یا کپی استفاده می‌کنند. به‌طور کلی، در مواجهه با کودکان کار سه رویکرد وجود دارد؛ انکار، مقابله و حمایت. دولت‌ها در مواجهه با معضل کار کودک ابتدا آن را انکار می‌کردند و پس از بحرانی شدن این معضل، به دنبال مقابله با آن بودند. در حالی که زمانی موفق به حذف کار کودک خواهیم شد که دولت رویکرد حمایتی داشته باشد، ریشه‌های مسئله را بشناسد و با برنامه‌ریزی در سطح کلان برای حل آن اقدام کند.

وقتی کار جای رویاهای کودکان می‌نشیند

برگزاری نشست «واکاوی پدیده کار کودکان در ایران» هم‌زمان با روز جهانی مبارزه با کار کودک



عاطفه شمس

روزنامه‌نگار

ممنوعیت کار کودکان، هم در قوانین و مقررات بین‌المللی از جمله سازمان بین‌المللی کار و یونیسف آورده شده و هم در قانون کشور ما برای کودکان زیر ۱۵ سال در نظر گرفته شده، اما در عمل، عمدتاً به دلایل اقتصادی، شاهد گسترش کار کودکان چه در سطح خیابان و چه در مراکز و محیط‌های مختلف از جمله کارگاه‌هایی که معمولاً بر اساس مصوبه هیئت‌دولت مشمول قوانین کار نمی‌شوند، کار در مزارع، معادن، ساختمان‌ها، باربری، زباله‌گردی، کار خانگی و... هستیم. راه اساسی حذف کار کودکان، مشارکت مردم و مسئولیت‌پذیری دولت است. بنابراین حمایت اجتماعی از کودکان و خانواده‌های آنان در حوزه آموزش، سلامت، تغذیه و سایر نیازهای آن‌ها و ایجاد کار برای والدین و افراد بزرگ‌سال خانواده‌ها، تنها راه برای کاهش، تغییر و حذف کار کودکان است. به همین منظور، نشست «واکاوی پدیده کار کودکان در ایران» روز چهارشنبه بیست‌ودوم خردادماه هم‌زمان با ۱۲ ژوئن، روز جهانی مبارزه با کار کودک به همت موسسه توانمندسازی مهر و ماه و شبکه یاری کودکان کار و با همراهی گروه روان‌شناسی اجتماعی انجمن جامعه‌شناسی ایران، انجمن انسان‌شناسی ایران و پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات در دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران برگزار شد. در این نشست روح‌الله نصرتی، عضو هیئت‌علمی دانشگاه تهران، درباره تغییراتی که کار کودک را از ارزش به کالا بدل کرده سخن گفت. فاطمه قاسم‌زاده، رئیس هیئت‌مدیره شبکه «یاری کودکان کار» نیز به بررسی برنامه‌های سازمان‌های دولتی در ارتباط با کار کودک پرداخت و در نهایت، پیام روشن‌فکر، عضو هیئت‌علمی دانشگاه علوم بهزیستی بر آوردی از ابعاد کار کودک در ایران ارائه داد. در پایان این نشست، بیانیه شبکه یاری کودکان کار نیز قرائت شد.

کودک، کار و ارزشی که کالا شد

سابقه کار کودک در تاریخ زندگی بشر همواره وجود داشته است، اما انقلاب صنعتی نقطه‌ای بود که در آن، تعریف کار برای کودک تغییر کرد. در جامعه پیشاصنعتی کار برای کودک مرحله‌ای برای ورود به جامعه، یادگیری حرفه و آماده‌شدن برای ورود به بازار کار بوده است، اما با انقلاب صنعتی، در واقع کودکان ابزاری برای حفظ یک جمعیت عظیم بیکار و ارزان نگه‌داشتن نیروی کار بوده‌اند. در اینجا کار از یک ارزش به یک کالا تبدیل شده است و از کودکان تا ۱۸ ساعت کار کشیده می‌شد. اما به تدریج مقاومت‌هایی در برابر این شیوه کار در جوامع ایجاد و جامعه جهانی نیز ملزم به تشکیل کنوانسیون‌هایی درباره حقوق کودکان شد تا اینکه در سال ۱۸۷۸ میلادی، نخستین قانون برای کاهش ساعت کار کودکان تصویب شد و کم‌کم قوانین دیگری

نیز در حمایت از کودکان به تصویب رسید. اما تغییر ساختاری باعث تغییرات نگرشی، هنجاری و ارزشی در جوامع شد و با تغییر فرهنگ نیز انگیزه‌های نتولیب‌ال شکل گرفت. سیاست‌هایی که در نتیجه آن، با ایجاد فضای محاسبه‌گرایانه و به‌وجود آمدن شکاف در جامعه و در نهایت، افزایش فقر در جوامع به‌ویژه جوامع در حال توسعه، کار کودک افزایش یافت. به عبارت دیگر، از دهه ۱۹۸۰ ایده‌های نتولیب‌الی دوباره در عرصه اقتصاد غالب شد. این نگاه در عرصه اقتصاد بر پنج فرایند اصلی استوار است که عبارت‌اند از: موقتی‌شدن قراردادهای کار، خصوصی‌سازی در همه عرصه‌ها، فقرات‌زدایی، مسئولیت‌زدایی از دولت و ممانعت از تشکیل یابی در جامعه. در کنار این موارد تغییرات فرهنگی نیز اتفاق می‌افتد

و مصرف به‌بخشی از هویت جامعه تبدیل می‌شود، در این حالت افراد هر چه بیشتر مصرف کنند ارزش بیشتری دارند. جامعه ایران نیز تا حد زیادی منطبق با این شرایط است. در جامعه ایران با خصوصی‌سازی در عرصه آموزش، مقررات‌زدایی در عرصه‌هایی مانند مسکن، موقتی‌بودن قراردادهای کار و مسائل مشابه، شرایط یک اقتصاد نتولیب‌الی را می‌توان مشاهده کرد که فرهنگ مصرفی، فقر و نابرابری روزافزون و افزایش کار کودک نتیجه آن بوده است. علاوه بر این، در دهه اخیر با نمونه ویژه‌ای از خودنمایی‌های مصرفی در جامعه روبه‌رو بوده‌ایم که در نتیجه آن، انگیزه و آرزوی مصرف هر چه بیشتر شده است. ویژگی انسان در این جامعه نگاه سود و زیان‌محور به همه مسائل است. در

است که سرنوشت کودکان کار از سرنوشت پدران و مادران رنج‌کشیده‌شان جدا نیست، همان‌گونه که سرنوشت پدر و مادر انسان نیز از سرنوشت جامعه و دیگر هم‌نوعان‌شان جدا نبوده و نیست. در چنین شرایطی، بدون اندیشیدن به عوامل به‌وجود آورنده فقر و نابرابری در گسترده‌ای وسیع و نیز بدون تلاش برای تغییر مسیر گردش ثروت و سرمایه، چگونه می‌توان سخن از رویای پایان کار کودکان به میان آورد؟ بی‌تردید، بازنگری در شرایط موجود و احترام کامل به حقوق صنفی پیش‌بینی شده در اسناد داخلی و بین‌المللی در خصوص حق برخورداری از تشکیل‌های مستقل صنفی و مدنی برای همه نقش‌آفرینان عرصه کار و تولید، می‌تواند مسیر سیاست‌گذاری‌های اجتماعی را تا حد قابل‌توجهی به سمت رویکردی عدالت‌خواه هدایت کند که در پرتو آن، همه به‌وجود آورندگان ثروت‌های ملی به‌سهم واقع‌بینانه‌تری از دست‌رنج خود دست یافته و جامعه پر تلاطم و نابرابر کنونی، به سمت جامعه‌ای متوازن و پویا تغییر مسیر دهد و شاهد روزگار بهتری، توأم با آرامش خاطر و برخورداری از حق آموزش، امنیت، بازی، تفریح و فرصت رویاپردازی به‌جای کار را برای همه کودکان کشورمان باشیم.

یادداشت

O P I N I O N



پیام روشن‌فکر

عضو هیئت‌علمی دانشگاه علوم بهزیستی

برآوردی از ابعاد کار کودک



آمار دقیقی درباره کودکان کار در ایران وجود ندارد، اما در پژوهشی با استناد به آمارهای موجود در حوزه‌های مختلف و برآوردهای ریاضی و اعتبارسنجی داده‌ها تاحدی آمار این کودکان محاسبه شده است. نتیجه این برآورد، آمار یک میلیون و ۶۰۰ هزار تا دو میلیون و ۱۰۰ هزار کودک است که تاحدی با سایر داده‌های موجود، اعتبارسنجی شده، اما همچنان جای نقد و بررسی بیشتر دارد.

برخی عملی بودن حذف کار کودک را باور ندارند و آن را آرمان‌گرایانه تلقی می‌کنند، اما واقعیت این است که تصحیح نظام اطلاعاتی و استفاده بهینه از ظرفیت‌های دولت و دانشگاه می‌تواند منجر به حذف کار کودک شود. رویکرد مواجهه با این مسئله در ایران قدم‌به‌قدم نیست، زیرا برآورد درستی از آن وجود ندارد. در حالی با مستند کردن تجارب و انجام کار مشترک در این زمینه می‌توان به یک برنامه‌ریزی منسجم و نظام‌مند رسید که به حذف کار کودک کمک کند. در همین زمینه و در تجربه‌ای جهانی، برنامه IPEC یا International Programme on the Elimination of Child Labour در ۸۵ کشور عضو سازمان جهانی کار (ILO) اجرایی شده که نشان می‌دهد، طی سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۶، بیش از ۹۰ میلیون مورد کار کودک - سالی ۶۰ هزار مورد - حذف شده است. این کشورها با برگزاری نشست و کنفرانس‌های متعدد، فعالیت‌های تحقیقی و نتایج و تجربیات خود را به سازمان جهانی کار گزارش می‌دهند. گرچه غالب‌شدن رویکردهای نتولیب‌ال در چند سال اخیر باعث شده کاهش این معضل با سرعت کمتری دنبال شود، با این حال در همین چارچوب‌های موجود اقتصادی و سرمایه‌داری، این برنامه توانسته کار کودک را در بسیاری از کشورها که با ایران نیز شباهت دارند، کاهش دهد و اولویت این کاهش نیز بدترین اشکال کار کودک بوده است.

این کشورها در تلاش بودند تا سال ۲۰۱۶، کار کودک را حذف کنند، اما این اتفاق عملی نشد. با وجود این، تلاش آن‌ها ادامه دارد و قرار است تا سال ۲۰۲۵، به نقطه آرمانی خود، یعنی حذف کار کودک برسند. در کشور ما نیز طی ۲۰۱۵ سال گذشته منابع فکری، مادی و انسانی بسیاری برای حل مشکل کار کودک صرف شده، اما نتیجه موفقیت‌آمیزی نداشته و به دلیل فقدان یک برنامه منسجم، گویی به‌جای حل مشکل و حرکت رو به جلو، دور خودمان چرخیده‌ایم. این در حالی است که تجربه جهانی نشان می‌دهد حذف کار کودک بدون برنامه‌ریزی، مشخص کردن نقطه زمانی برای کاهش این پدیده و ارائه مدل درست برای حذف آن، امری ممکن و شدنی نیست.